



«فتح‌الله جعفری جوزانی» متولد ۱۳۳۷ در تهران و کارشناس اقتصاد و فلسفه و کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی است. او به عنوان مدیرعامل از سال ۱۳۷۳ که شرکت «جوزان فیلم» تأسیس شد، در کنار برادرش (مسعود) در این شرکت مشغول به فعالیت است. از عمده فعالیت‌های جوزانی تا کنون می‌توان به فیلم‌های «یک مرد، یک خرس»، «دل و دشنه»، «ارابه‌ی مرگ»، «بلوغ»، «چشم‌هایش» و «هفت ترانه» و مجموعه‌های تلویزیونی «معجزه‌ی نوروزی»، «آژانس دوستی» و «قهر و آستی» اشاره کرد. او در بعضی از کارهای یادشده در کسوت مدیر تولید، نویسنده و بازیگر هم ظاهر شده است. وی هم‌چنین کتاب‌های «چارلی و کارخانه‌ی شکلات‌سازی»، «خداحافظی طولانی» و «از کالیگاری تا هیتلر» را ترجمه کرده و



گفت و گو با حرفه‌ی‌ها

تعدادی مقاله‌ی سینمایی هم در مطبوعات از او به چاپ رسیده است. شاید بزرگ‌ترین مشکلات سینمای ما، مسایل ریشه‌ی بی‌باشد. شاید اگر ده سال هم درباره‌ی مسایل سطحی صحبت کنیم و بزرگان بچنگیم، تا نگاهمان ریشه‌ی نشود هیچ اتفاقی رخ ندهد. به اعتقاد نگارنده ما هنوز در تعریف واژه‌های اصلی - و نه ابتدایی - دچار مشکل هستیم و چون بدون حل آن‌ها به سراغ مسایل بعدی رفته‌ایم در کلافی سردرگم گیر کرده‌ایم. وقتی با جوزانی قرار گفت‌وگو را گذاشتیم، با خود عهد کردم که فقط و فقط سؤال‌هایی ریشه‌ی بی‌پرسم و به هیچ عنوان به دعوایم و جنجال‌های روز تهیه‌کنندگان نپردازم. شاید در نگاه اول این سؤال‌ها مانند تعریف کلمه‌ی تهیه‌کننده و تفکیک دولتی و خصوصی آن خیلی ابتدایی و توضیح واضح‌تر باشند اما اگر تنها کمی با دقت این گفت‌وگو را بخوانید، خواهید دید که ما در همان پله‌ی اول هم دچار مشکل هستیم و به اصطلاح چرخمان لنگ می‌زند.

محمدرضا لطفی

گفت و گو با فتح‌الله جعفری جوزانی، تهیه‌کننده‌ی سینما

سرابی به نام سینما

تهیه می‌کند و با آن‌ها وارد مذاکره می‌گردد تا با عقد قرارداد پخش، هم سرمایه‌ی لازم را برای تولید فیلم به دست آورد و هم با استفاده از اعتبار پخش‌کننده به جذب سرمایه و عوامل هنری بپردازد. در واقع اهمیت پخش تا حدی است که تصمیم سرمایه‌گذاران و حتی بسیاری از بازیگران برای پذیرفتن بازی در فیلم به این مقوله بستگی دارد که پخش‌کننده‌ی فیلم کدام شرکت است.

به‌طور معمول در کنار تهیه‌کننده به عنوان مالک اصلی فیلم، کسانی هم وجود دارند که با مشارکت مالی در تولید فیلم سهم می‌شوند. درباره‌ی این افراد بگویید.

با توجه به این که سینما هنر - صنعت بسیار گرانی است و بدون سرمایه، ساخت فیلم عملاً ناممکن است، نیاز به سرمایه‌گذار را نمی‌توان نادیده گرفت اما آگاهی و دانش اغلب سرمایه‌گذاران از سینما معمولاً آن‌قدر نیست که بتوانند در بهتر شدن هرچه بیشتر فیلم کمک کنند. به‌علاوه، سرمایه‌گذار موجود غربی است که پایبند اصول خاصی نیست و تنها به سود مادی می‌اندیشد. نکته‌ی دیگر این که هنوز تفکیک دقیق و روشنی بین سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده صورت نگرفته است و به همین علت هنوز هستند کسانی که شغل اصلی‌شان ربطی به سینما ندارد اما نامشان به عنوان تهیه‌کننده در عنوان‌بندی فیلم‌ها دیده می‌شود. طبیعی است که در چنین شرایطی تهیه‌کننده نمی‌تواند جایگاه واقعی خود را پیدا کند. از تفاوت تهیه‌کنندگان دولتی با تهیه‌کنندگان خصوصی بگویید.

تفاوت تهیه‌کننده‌ی دولتی و خصوصی در این است که تهیه‌کننده‌ی دولتی در استخدام دولت و تهیه‌کننده‌ی خصوصی در استخدام بخش

آقای جوزانی، لطفاً در ابتدا دریافت و تعریف خود را از «تهیه‌کننده»‌ی فیلم بگویید.

تهیه‌کننده‌ی فیلم، کسی است که با احاطه‌ی که بر مراحل مختلف فنی ساخت فیلم به عنوان تولید جمعی دارد، با در نظر گرفتن سلیقه‌های موجود در جامعه، فیلمنامه و کارگردان را انتخاب و اقدام به ساخت فیلم می‌کند. تهیه‌کننده مدیر، برقرارکننده‌ی ارتباطات و راهنمای گروه است. او با کمک کارگردان به دما و شاید صدها نفر از اعضای گروه کمک می‌کند تا طبق برنامه و بودجه‌ی برآورده‌شده، فیلم را بسازند و به هدف مشترک خود که در نهایت ساخته شدن یک فیلم - مطلوب - است، برسند. به عبارت دیگر، تهیه‌کننده باید بتواند در چارچوب بودجه‌ی از پیش تعیین‌شده به نحوی خلاقانه بهترین عوامل و راه‌حل‌ها را انتخاب کند تا فیلمنامه از نوشته به فیلم تبدیل شود.

فیلم پس از طی مراحل تولید و آماده‌سازی وارد مرحله‌ی بسیار مهم یعنی پخش می‌شود. درباره‌ی پخش و پخش‌کنندگان هم حرف و حدیث فراوان است. نظر شما در این خصوص چیست؟

پخش را می‌توان مرحله‌ی نهایی تولید فیلم دانست. در واقع در مرحله‌ی پخش فیلم است که سازنده می‌تواند بر اساس میزان استقبال از فیلم دریابد فیلمی که ساخته تا چه اندازه به خواسته‌ها و سلیقه‌های موجود در جامعه نزدیک است و برای موفقیت بیشتر در آینده چه راهکارهایی را باید بیندیشد. در شرایط مطلوب، پخش‌کننده از ابتدای کار به عنوان یار و یاور تهیه‌کننده وارد جریان تولید می‌شود، یعنی تهیه‌کننده پس از انتخاب فیلمنامه و کارگردان، یک طرح جامع برای جذب پخش‌کننده‌های معتبر



متأسفانه امروز شاهد آن هستیم که بخش غیر خصوصی تشکیلات صنفی ما را هدف قرار داده است

با وجود ماهوارها و فراوانی انواع نوار و سی‌دی جدیدترین فیلم‌های خارجی و ایرانی آینده‌ی چندان روشنی برای سینمای ملی ترسیم نمی‌شود

خصوصی است. البته تهیه‌کننده‌ی بخش خصوصی در قبال سرمایه‌ی بخش خصوصی پاسخگوست و با کوچک‌ترین لغزشی، اعتبار خود را از دست می‌دهد اما لغزش‌ها و تصمیم‌های نادرست تهیه‌کننده‌ی دولتی، معمولاً پشت پرده‌ی ضخیم بوروکراسی‌های موجود پنهان می‌ماند. به همین دلایل، وقتی همه‌ی مراحل فیلمسازی از انتخاب سوژه و عوامل گرفته تا سینماهای نمایش‌دهنده و زمان نمایش و بهای بلیت و ... با نظارت مستقیم دولتی انجام می‌شود، پس به‌طور طبیعی سینمای ایران، سینمایی دولتی است، از همین روست که سینمای ایران بدون حمایت‌های مالی دولت نمی‌تواند روی پای خود بایستد و اگر این حمایت‌ها قطع شود، با ورشکستگی کامل روبه‌رو خواهد شد.

عده‌ی معتقدند سینمای ما در حال حاضر ورشکسته است، نظر شما چیست؟

ورشکسته واژه‌ی بسیار تندی است. به هر حال در سینمای ایران، سالانه حدود پنجاه - شصت فیلم ساخته می‌شود و عده‌ی هر چند کم هم‌چنان برای دیدن فیلم به سینما می‌روند اما با وجود ماهوارها و وفور انواع نوار و سی‌دی جدیدترین فیلم‌های خارجی و ایرانی، رقابت پنهانی در جریان است که آینده‌ی چندان روشنی برای سینمای ملی ترسیم نمی‌کند. فروش نکردن فیلم‌ها، توان مالی بخش خصوصی را روز به روز کمتر می‌کند و به همین دلیل عده‌یی به ساخت فیلم‌های نازل‌تر روی می‌آورند ولی این هم حاصلی جز ابتلال ندارد.

کمی از نقش و وظیفه‌ی اتحادیه‌ی تهیه‌کنندگان برای ما بفرمایید.

از آن‌جا که در کشور ما بخش‌های مختلف دولتی در تمام مراحل تولید و پخش فیلم رقابت غیرعادلانه‌ی را با بخش خصوصی در پیش گرفته‌اند، وجود اتحادیه‌ی مقتدر برای دفاع از حقوق بخش خصوصی بسیار ضروری است اما در فرصتی چنین کوتاه نمی‌توان به آن پرداخت. وقتی فیلمی با سرمایه‌های هنگفت دولتی ساخته می‌شود و با تبلیغاتی که هزینه‌ی برابر بودجه‌ی چند فیلم سینمایی دارد به نمایش درمی‌آید، مانند فروشگاه‌های بزرگ و زنجیره‌ی برابر بقالی‌های کوچک و سستی است که آن‌ها را به ورشکستگی می‌کشاند. وقتی تیزرهای تبلیغاتی فیلم‌های بخش خصوصی در گذر از هزار توی گرفتن مجوزها به «اسلاید شو» یا پانزده‌ثانیه‌ی تبدیل می‌شوند و به‌رغم هزینه‌های کمرشکن، تنها سه بار پخش می‌شوند، پس به‌طور طبیعی فیلم‌های بخش خصوصی محکوم به شکست‌اند. در چنین موقعیتی تنها اتحادیه‌ی مقتدر و قوی می‌تواند از

نابودی بخش خصوصی جلوگیری کند متأسفانه امروزه شاهد آن هستیم که بخش غیر خصوصی، تشکیلات صنفی ما را هدف قرار داده است. چرا در سال‌های اخیر فیلم‌های فرهنگی کم‌تر ساخته شده است؟ فکر می‌کنم بخش عمده‌ی آن به بی‌برنامگی مسئولان دولتی برمی‌گردد. در بیست و چند سال گذشته به جز دوران کوتاهی در دهه‌ی شصت، هیچ برنامه‌ی بلندمدتی برای سینما تلویزیون نشد. برای مثال به جز تعداد اندکی فرهنگسرا آن هم با مدیریت دولتی و سیاسی، در این مدت چند سالن نمایش ساخته شده است؟ سالن‌های موجود هم که زمانی در بهترین مناطق شهر بودند، امروزه در اثر رشد بی‌رویه‌ی شهر در بدترین شرایط قرار دارند. در شرایطی که با وجود کم‌تر از ۲۸۰ سالن سینما برای جمعیتی بالای هفتاد میلیون نفر، سیاست عرضه و تقاضا برای نمایش فیلم اجرا می‌شود، فیلم‌های فرهنگی نمی‌توانند جایگاه مناسبی برای نمایش پیدا کنند. وقتی هم فیلم به نمایش درنیاید و سرمایه‌ی صاحب فیلم بازنگردد، نمی‌توان امید به ساخت شدن فیلم‌های بعدی داشت. در شرایط مطلوب باید همه نوع فیلمی ساخته و به نمایش گذاشته شود. نیاز به سینمای فرهنگی به همان اندازه جدی و واقعی است که نیاز به سینمای سرگرم‌کننده و تفریحی. اگر تولیدات سالانه شصت فیلم فقط از یک نوع باشد، سرانجام بیننده خسته می‌شود و از سالن فرار می‌کند.

به نظر شما ساخت فیلم‌های فرهنگی باید در بخش خصوصی صورت بگیرد یا بخش دولتی؟

در همه‌ی جوامع مترقی دولت ارتقای فرهنگ جامعه را از وظایف خود می‌داند اما متأسفانه در کشور ما که دعوی فرهنگی دارد، شاهد اقدام چندان در این زمینه نیستیم. البته منظورم این نیست که دولت فیلم فرهنگی بسازد، چون عقیده ندارم هیچ دولتی بتواند چیزی غیر از فیلم‌های تبلیغاتی بسازد. دولت می‌تواند با اقداماتی مثل ساخت سالن نمایش، به سینمای فرهنگی کمک کند.

به عنوان آخرین سؤال بفرمایید در حال حاضر مشغول چه کاری هستید و پروژه‌ی آتی‌تان چیست؟

برای آینده چند طرح و فیلمنامه در دست داریم که چون هنوز هیچ کدام قطعی نیست، بهتر است صحبتی درباره‌ی آن‌ها نکنم.

از شما سپاسگزاریم که وقتی را برای این گفت‌وگو به ما اختصاص دادید. من هم از شما و نشریه‌ی خوبتان متشکرم و برای مردم عزیز کشورم آرزوی سربلندی روزافزون را دارم.